# جلسه 5

**چهارشنبه - 28/۰7/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به حرمت لهو و غنا بود.

راجع به حرمت لهو تارة بحث می‌شود از حرمت مطلق لهو و تارة بحث می‌شود از حرمت لهو‌های خاص. مثل استعمال آلات ملاهی، ابزار موسیقی لهوی را نواختن.

مرحوم شیخ انصاری در مکاسب فرموده است که مشهور مطلق لهو را حرام می‌داند. و صحیح هم همین است. مطابق با آنچه که از روایات استفاده می‌شود مطلق لهو حرام است. در جلد 2 مکاسب چاپ جدید صفحه 41: اللهو حرام علی ما یظهر من المبسوط و السرائر و المعتبر و القواعد و الذکری و الجعفریة و غیرها حیث عللوا لزوم الاتمام فی سفر الصید بکونه محرما من حیث اللهو.

مثلا در مبسوط می‌گوید که در بحث قصر در سفر می‌گوید یکی از سفرهایی که موجب قصر نیست سفر معصیت است و منها طلب الصید للّهو.

#### امكان اختصاص حرمت لهو به سفر لهوي

این عبارت ممکن است بیش از این دلالت نکند که طلب صید به غرض لهو حرام هست نه مطلق لهو. و این مطلبی است که آقای خوئی هم ملتزم شده. با این‌که آقای خوئی می‌گویند مطلق لهو حرام نیست ولی در بحث صلاة مسافر دارند که روایت معتبره داریم می‌گوید انها مسیرة لیست بحقٍ. سفر صید برای لهو مسیره‌ای است که حق نیست؛ یعنی مسیری است که باطل است و باطل در عرف متشرعه یعنی حرام. پس این عبارت را مرحوم شیخ از مبسوط که استشهاد کرده به آن برای این‌که نظر شیخ طوسی بر حرمت مطلق لهو است، ‌این را نمی‌شود از کلام مرحوم شیخ استفاده کرد.

 و لکن کلمات دیگران این را می‌فهماند. محقق حلی در معتبر، علامه در کتبش می‌گویند که اللهو حرام فالسفر له معصیةٌ.

#### استدلال به روايات براي حرمت مطلق لهو ويا استعمال آلات لهو

ادله‌ای که استدلال کرده‌اند برای مطلق لهو ان شاء‌الله بعدا بررسی می‌کنیم که به نظر ما دلالتش تمام نیست.

راجع به استعمال آلات لهو روایات زیادی داریم که در ضمن این روایات، ‌روایاتی را هم که به عنوان حرمت مطلق لهو مطرح شده، ‌ذکر می‌کنیم. این روایات را یکی یکی بررسی کنیم. در ضمن آن هم عرض کردم روایاتی که حرمت مطلق لهو را خواستند استفاده کنند، ‌بررسی می‌کنیم. و ان شاء‌الله روشن خواهد که دلالت این روایات یا سند این روایات که مطلق لهو را می‌خواهد حرام بکند تمام نیست.

#### روایت اول: روایت فضل بن شاذان

روایت اول: عیون الاخبار باسناده عن الفضل بن شاذان عن الرضا علیه السلام فی کتابه الی المأمون: الایمان هو أداء الامانة و اجتناب جمیع الکبائر. بعد می‌فرماید که: و هی، کبائر، الشرک تا می‌رسد: و الاشتغال بالملاهي.

#### تمامیت سند روایت علل فضل بن شاذان

خب سند این روایت به نظر ما تمام است. ما بررسی کردیم سند صدوق به کتب فضل بن شاذآن‌که مشتمل است بر ابن عبدوس و ابن قتیبة هر دو قابل توثیقند. چون بحثش مفصل است، در جای خودش ما بحث کردیم، تکرار نمی‌کنیم.

و این‌که آقای سیستانی معتقدند فضل بن شاذان در زمان امام رضا اصلا با امام رضا علیه السلام ملاقات نکرده و درست نیست که ما بگوییم فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام مطلبی شنیده است و نقل می‌کند و لذا رساله علل فضل بن شاذان را ایشان معتقد است که تألیف فضل بن شاذان است نه کتاب حدیث از امام رضا.

این هم شاهد تاریخی ندارد. و صدوق نقل می‌کند که فضل بن شاذان می‌گوید من تمام این مطالب را از امام رضا علیه السلام شنیدم مرة بعد مرة.

پس سند به نظر ما تمام است.

اما...

[سؤال: ... جواب:] حالا این اشکال ایشان و لو ایشان توسعه می‌دهد اشکال را و کلا نقل‌های فضل بن شاذان را تشکیک می‌کند در اینجا مورد ندارد. چون فضل بن شاذان کتاب امام رضا علیه السلام را به مأمون نقل می‌کند؛ لازم نیست امام رضا را دیده باشد. ... حالا ما تصحیح کردیم؛‌بناء ندارم این یک روز در هفته را، این بحث‌های مفصل رجالی را مطرح کنم مگر نیاز شدید باشد. مراجعه کنید ما تصحیح کردیم سند عیون الاخبار را به فضل بن شاذان و لو به لحاظ تکرر و تعدد اسناد.

اما دلالت این روایت: و الاشتغال بالملاهي.

#### شاید "ملهی" اسم آلت باشد

اشتغال به ملاهی آیا به معنای اشتغال به لهو است؟ ملهیٰ اسم مصدر است؟ الاشتغال بالملاهي یعنی اشتغال به لهو که نتیجه‌اش می‌شود حرمت مطلق لهو؟ یا نه، ملهیٰ اسم آلت است؟ ما یلهی به. همان آلات ملاهی.

ما به نظرمان ظهور ندارد ملاهی در معنای مصدر میمی بلکه ممکن است به معنای آلات لهو باشد. و لذا دلالت این روایت را بر حرمت مطلق لهو نمی‌پذیریم.

و این‌که مرحوم شیخ فرموده است ملاهی جمع ملهیٰ است که مصدر هست نه جمع ملهاة که آلت است، ایشان استشهاد می‌کند؛‌می گوید شاهد بر این‌که ملاهی جمع ملهیٰ که مصدر است هست نه جمع ملهاة‌که اسم آلت است، این است که در روایت اعمش دارد که و الملاهی التی تصدّ عن ذکر الله مکروهة کالغنا. غنا، لهو است؛ استعمال آلات لهو نیست. از این مثال ایشان کشف می‌کند که پس معلوم می‌شود که ملاهی اسم آلت نیست بلکه جمع مصدر میمی است.

این دلیل نمی‌شود بر این‌که این روایت عیون الاخبار که دارد و الاشتغال بالملاهي هم مثل روایت اعمش باشد. در روایت اعمش خب حالا بحث می‌کنیم. قرینه "کالغنا" در این‌که این ملاهی به معنای لهو است، ‌حالا این را باید بحث کنیم. اما این قرینه که در روایت عیون الاخبار از فضل بن شاذان نیست. و لذا این روایت ظهور در اشتغال به لهو ندارد.

[سؤال: ... جواب:] ملاهی جمع ملهی... اصلا خود ملهی می‌تواند اسم آلت باشد. اسم آلت که لازم نیست مَلهاة باشد. بله، مِلهاة‌، مسحاة اسم آلت است. اما اسم آلت که منحصر به این وزن نیست. خود مَلهی‌ای ما یلهی به. مثل مقود ما یوقد به. مَفعل، مِفعل اسم آلت است. مِلهی. ... ‌ملاهی جمع مِلهی باشد که اسم آلت است. لازم نیست جمع مِلهاة‌ باشد مثل مسحاة. بهرحال.

این اشکال اول ما.

#### عدم احتمال فقهی حرمت مطلق لهو

اشکال دوم به دلالت این روایت بر حرمت مطلق لهو این است که گفته می‌شود احتمال فقهی نیست که مطلق لهو حرام باشد. خیلی از کارهایی که ما می‌کنیم لهو است. لهو این است که موجب سرگرمی است. کسی تسبیح خودش را به قول آقای خوئی بچرخاند، این، ‌لهو است. آیا حرام هست؟‌فقهیا قابل التزام نیست که ما بگوییم مطلق لهو حرام است.

تعبیر مرحوم آقای خوئی این است، ایشان می‌فرمایند که ما دلیلی بر حرمت مطلق لهو نداریم. همه روایات ضعیف السند هست و قابل التزام هم نیست که ما بگوییم مطلق لهو حرام هست. ان شاء‌الله کلام ایشان را بعدا متعرض می‌شویم.

اما قدر متیقن از این روایت اشتغال به آلات لهو هست که دلالت بر این‌که حرام هست بلکه کبیره است، ‌تمام است. سندش را هم ما قبول داریم مشکلی نیست.

#### روایت دوم: روایت اعمش

روایت دوم: روایت اعمش، وسائل الشیعة‌جلد 15 صفحه 331، ‌عن جعفر بن محمد علیه السلام فی حدیث شرائع الدین:‌و الکبائر محرمةٌ و هی، ‌تا می‌رسد به اینجا:‌و الملاهي التی تصد عن ذکر الله مکروهة کالغنا و ضرب الاوتار. ملاهی که باز می‌دارد از ذکر خدا مکروه است مثل غنا و تار زدن.

خب این‌که لفظ غنا را ذکر کردند انصافا قرینه است بر این‌که مراد از ملاهی لهو است نه آلات لهو. این قرینه را می‌پذیریم.

#### ضعف سند صدوق به اعمش

و لکن این روایت سندا ضعیف است. مشتمل است اسناد صدوق به اعمش بر مجاهیل زیادی.

#### هر لهو صدّ از سبیل الله نیست

و دلالتا هم اشکال دارد. چرا؟ برای این‌که مطلق ملاهی را حضرت نفرمود طبق این نقل. فرمود الملاهي التی تصد عن ذکر الله. و خود امام هم باید تعیین کنند چه لهوی است که تصد عن ذکر الله. هر لهوی تصد عن ذکر الله؟ از کجا؟ هذا اول الکلام.

صید لهوی، تصد عن ذکر الله؟ بله، موجب قصر نیست، ‌انما خرج فی لهوٍ لایقصّر، ‌کسی که خارج می‌شود برای صید، ‌سفر می‌کند برای صید، بخاطر تنزّه، انما خرج فی لهوٍ لایقصر، قبول، اما آیا این لهوی است که یصد عن ذکر الله؟ هذا اول الکلام. رقص، لهو است بلااشکال. اما یصد عن ذکر الله؟ ما چه می‌دانیم. کف زدن که مرحوم آقای گلپایگانی می‌فرمود حتی کف زدن برای تشویق یک سخنران اشکال دارد تا چه برسد به کف زدن‌های مجالس شادی. خب کف زدن در مجالس شادی مصداق لهو است دیگر. شوخی ندارد. لهو است. ایشان اشکال می‌کرد. حالا آن تشویق سخنران بعید نیست بگوییم لهو نیست. آن یک مراسمی است برای تشویق، او لهو نیست. ولی کف زدن در مجالس شادی، در مجالس عروسی بلااشکال لهو است. اما آیا لهوٌ یصد عن ذکر الله؟ هذا اول الکلام.

[سؤال: ... جواب:] خیلی بعید است که در ذیل کبائر بگوید و الملاهي التی تصد عن ذکر الله کالغنا و ضرب الاوتار بعد مراد مکروه است، یعنی کل مکروه جائز، ‌این محتمل نیست عرفا.

اما این روایت با غمض عین از ضعف سند دلالت بر حرمت غنا و تار زدن می‌کند. تار زدن هم که خصوصیت ندارد؛ یعنی ضرب آلات له.

روایت سوم...

[سؤال: ... جواب:] این‌که این لهو باز می‌دارد از یاد خدا، آخه مطلق است. ببینید! مراد یک باز داشته شدن از یاد خدا به معنا خاص است دیگه. و الا خب انسان سفر تفریحی هم که می‌رود همآن‌طور که غصه هایش را فراموش می‌کند، چرا آدم یک روز می‌رود تفریح یا می‌رود یک جلسه قعده‌ای شرکت می‌کند، چهار تا جک می‌گویند، ‌آدم می‌خندد، افسردگیش برطرف می‌شود، چرا؟ بخاطر لهو است دیگه. باز می‌دارد انسان را به فکر کردن به مطالب مهمه دیگر. ... حالا عرض می‌کنم که خود این تعریف لهو از مشکلات است. می‌رسیم. ولی آیا لهوی که یصد عن ذکر الله این می‌شود گفت هر چیزی که منشأ این می‌شود که انسان دیگر فکر به چیزهای دیگر نکند، ‌این حرام است؟

[سؤال: ... جواب:] آنها آن ملاهی که انسان را از یاد خدا می‌برد، یعنی به گناه می‌کشاند و یا خودش گناه است. خب اما خودش کجا گناه است و چه ملاهی انسان را به گناه می‌کشاند ائمه باید این را، مصداقش را بیان کنند. همآن‌طور که امام قدس سره در بحث دیگری این را مطرح کردند.

[سؤال: ... جواب:] در غنا نظر به اوتار ذکر کردند حضرت. ... ظاهرش این است که غنا و ضرب اوتار مطلقا مصداق لهو است.

#### روایت سوم: روایت حمران

روایت سوم: روایتی است که ابن ابی عمیر نقل می‌کند از محمد بن ابی حمزة‌عن حمران. سندش صحیح است. عن ابی عبدالله علیه السلام ألاتعلم ان من انتظر امرنا و صبر علی ما یری من الاذی و الخوف فهو غدا من زمرتنا؟ کسی که صبر کند بر اذیت و منتظر فرج ما باشد، ‌در زمره ما خواهد بود؟ بعد می‌فرماید فاذا رأیت الملاهي، علائم ظهور، فاذا رأیت لقد مات و ذهب اهله، بعد می‌رسد تا اینجا، و رأیت الملاهي قد ظهرت یُمرّ بها، لایمنعها احدٌ و لایجتنب احد علی منعها. آن وقت منتظر ظهور باش که فساد ظاهر شده است. آن روزی که آلات لهو نواخته می‌شود، ‌کسی اعتراض نمی‌کند، اگر کسی هم اعتراض کند متهم می‌شود، این از علائم ظهور است.

#### تمامیت سند ودلالت بر حرمت استعمال آلات لهو

خب این، سند خوب است، دلالتش هم که خوب است. ولی رأیت الملاهي معلوم نیست به معنای رأيت اللهو باشد. رایت الملاهي یعنی رایت آن آلات لهو. آلات لهو همه جا پخش است و مردم استفاده می‌کنند. افتخار می‌کنند که کلاس می‌روند.

این روایت در مورد استعمال آلات لهو هم سندش خوب است هم دلالتش.

روایت چهارم:

اسحاق بن جریر...

[سؤال: ... جواب:] رأیت الملاهي قد ظهرت، فسادهای آخر الزمان را می‌گوید. و رأیت الرجال اشتغلوا بالرجال و النساء‌اشتغلن بالنساء، این را دارد محرمات را می‌گوید دیگه. و رأیت الملاهي قد ظهرت. ... حرمتش واضح. اگر واقعا در این روایت باشد که زن‌ها بر زین سوار می‌شوند و دلالتش را بحث کنیم چیه، ملتزم به حرمت می‌شویم. غصه نخورید، نگران نباشید، ما متهم هستیم بیشتر متهم می‌شویم. خیلی مهم نیست. می‌گویند اینها فکرشآن‌کهنه است. فکر قدیمی دارند. باشد.

#### 4- روایت اسحاق بن جریر

روایت چهارم: روایت اسحاق بن جریر، جلد 17 وسائل صفحه 312: سمعت اباعبدالله علیه السلام یقول ان شیطانا یقال له قَفَندر، اذا ضُرب فی منزل الرجل اربعین صباحا بالبربط اگر در منزل کسی چهل روز عود، بربط یعنی عود بزنند، عود یکی از آلات لهو است، حالا اسم فارسیش...

[سؤال: ... جواب:] بله؟ بربط.

و دخل علیه الرجال وضع ذلک الشیطان کل عضو منه علی مثله من صاحب البیت. ثم نفخ فیه نفخة فلایغار بعدها حتی تؤتی نسائه فلایغار.

#### ظهور بی غیرتی در حرمت

در مبانی منهاج الصالحین فرمودند این دلالت بر حرمت نمی‌کند. اثر وضعی این استعمال آلات لهو این است که انسان بی غیرت می‌شود. خب حالا اما این حرام است؟ دلیل بر حرمت نیست.

ولی انصاف این است که این سبک روایات ظهورش در حرمت قابل توجه است. بله، سند در آن، اسحاق بن جریر است که ما برای ما وثاقتش روشن نیست.

اشکال دیگری که می‌شود در دلالت این روایت کرد غیر از اشکال مبانی منهاج الصالحین که گفتند دلالت بر حرمت نمی‌کند این است که گفته می‌شود اذا ضرب بمنزل الرجل اربعین صباحا بالبربط و دخل علیه الرجال، خب شاید خصوصیت دارد دخول رجال. مطلق استعمال آلات لهو بدون دخول دیگران حرام نباشد.

این محتمل نیست خب این هم مرد است دارد می‌زند. نگفت زن دارد می‌زند. مرد دارد می‌زند رفقایش را دعوت می‌کند در خانه.

[سؤال: ... جواب:] مجلس گرفتن حرام است اما تکی زدن حرام نیست؟ ... اگر تنها باشد برای خودش می‌زند؟

باز هم شبیه این روایت این است، روایت محمد بن عیسی او غیره عن ابی داوود المسترقّ من ضرب فی بیته بربط اربعین یوما سلط الله علیه شیطانا یقال له قنفدر فلایبقی عضو من اعضائه الا قعد علیه فاذا کان کذلک نزع منه الحیاء و لم یبال ما قال و لا ما قیل له.

#### 5- روایت کلیب صیداوی

روایت پنجم: روایت کلیب صیدوای هست. قال سمعت اباعبدالله علیه السلام یقول ضرب العیدان ینبت النفاق فی القلب. عود زدن موجب نفاق می‌شود.

خب این سندش ضعیف هست. مشتمل است بر علی بن معبد و حسن بن علی جزّار که توثیق ندارد.

دلالتش هم همان بحث قبلی می‌آید. لابد در مبانی منهاج الصالحین که اشکال کردند اینجا هم اشکال می‌کنند که حالا اثر وضعی ضرب العیدان این است که منجر به نفاق می‌شود. اما حالا هر کاری که منجر به نفاق بشود حرام است؟

خب ما این اشکال‌ها را خیلی نمی‌فهمیم. ما استظهارمان این است که اینها دلالت بر حرمت می‌کند. ولی روایات مختص به این‌ها هم نیست.

[سؤال: ... جواب:] روایت که ضرب العیدان حرام است. ... بله. ... بله؟ ... ضرب العیدان مثالی است برای استعمال آلات لهو. ما روایات استعمال آلات لهو را داریم بررسی می‌کنیم، برخی از این روایات را مرحوم شیخ به عنوان حرمت مطلق لهو هم استفاده کرده بود که آنها را هم متعرض در ضمن می‌شویم. این روایت دلالت بر حرمت استعمال آلات لهو می‌کند دیگه. ... ما هم در حد خودش می‌گوییم. ما که بیشتر از این نمی‌گوییم. ما روایات استعمال آلات لهو را داریم بررسی می‌کنیم. برخی از این روایات بر حرمت مطلق لهو هم گفته شده بود دلالت می‌کند آنها را هم متعرض شدیم. این روایت را که نگفتند دلالت بر حرمت مطلق لهو می‌کند. این در خصوص استعمال آلات لهو.

#### 6- روایت موسی بن حبیب

روایت ششم: روایت موسی بن حبیب عن علی بن الحسین علیه السلام: لایقدّس الله امةً فیها بربط یقعقع و نایة تفجّع.

خب هم سند، ضعیف است و هم دلالتش گفته می‌شود حالا خدا تقدیس نمی‌کند؛ اما حرام بودنش ثابت نمی‌شود که این اشکال اینجا وارد است.

#### 7- روایت سماعه

روایت هفتم: روایت عبدالله بن قاسم از سماعة. عبدالله بن القاسم توثیقش ثابت نیست. قال ابوعبدالله علیه السلام لما مات آدم شمت به ابلیس و قابیل فاجتمعا فی الارض فجعل ابلیس و قابیل الملاهي شماتة بآدم. فکل ما کان فی الارض من هذا الضرب الذی یتلذذ به الناس فانما هو من ذاک.

#### کار شیطان حرام نیست

خب این سندش ضعیف است. دلالت هم ندارد. حالا منشأ پیدایش استعمال آلات لهو شماتت ابلیس و قابیل بود در مرگ حضرت آدم، اظهار شادی کردند، خب دلیل می‌شود چیز خوبی نیست، از شیطان است دیگر. از آن کار شیطان است. وسوسه هم از شیطان است. آن روایت می‌گفت وسواس بود، می‌گفت سلْه من این یاتیه فیقول لک من الشیطان. خب به قول مرحوم آقای خوئی مگه هر چیزی که از شیطان بود حرام است؟ کارهای مکروه هم که گاهی ما هوس می‌کنیم انجام بدهیم، ترغیب شیطان است اما حرام است؟ حرام نیست.

[سؤال: ... جواب:] کار لغو حرام است؟ و الذین هم عن اللغو معرضون دیگه. حرام نیست. ... خوب است. ... لغو از شیطان است. ... اما اعتناء به وسوسه چی؟ اعتناء به وسوسه می‌گوید نکن. از شیطان است. اما حرام نیست. دلیل بر حرمت ندارد.

#### 8- روایت سکونی

روایت هشتم: خوب گوش بدهید! علی بن ابراهیم عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله أنهاکم عن الزفن، زفن در لغت معنا کردند‌ای الرقص، أنهاکم عن الزفن و المزمار و الکوبات و الکبرات. کوبات طبل کوچک؛ کبرات، طبل بزرگ. نهی می‌کنم شما را از رقص و نی زدن، مزمار و طبل نواختن، چه طبل بزرگ چه طبل کوچک.

#### توثیق نوفلی

سند روایت در آن نوفلی است. و به نظر ما نوفلی ثقه است. چون شیخ طوسی در کتاب العدة می‌گوید اصحاب به روایات سکونی عمل کردند و عمده روایات سکونی از طریق نوفلی است. و ابراهیم بن هاشم هم زیاد نقل می‌کند از نوفلی و ابراهیم بن هاشم از اجلاء است. اول من نشر الحدیث بقم. نمی‌آید خودش را موهون کند مثل برقی بکند خودش را که یروی عن الضعفاء کثیرا. و لذا این دلیل است که نوفلی متهم به ضعف نبود و الا ابراهیم بن هاشم هم متهم می‌شد.

[سؤال: ... جواب:] علی بن ابراهیم عن ابیه. ... عن ابیه. ... عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام.

خب اما دلالت. حالا سند بحث مفصلی دارد. آقای سیستانی نوفلی را تضعیف می‌کند. آقای صدر تضعیف می‌کنند. ولی به نظر ما کما هو المشهور و علیه شیخنا الاستاد نوفلی ثقه هست. مرحوم آقای خوئی هم ثقه می‌دانست چون می‌گفت در تفسیر قمی وارد شده.

#### دلالت نهی بر حرمت

اما دلالت:

ما راجع به مناهی النبی، حدیث مناهی النبی گفتیم ظهور ندارد در نهی لزومی. چون جمع کرد امیرالمؤمنین آن نواهی پیغمبر را، گفت نهی النبی عن فلان عن فلان عن فلان و قرینه عرفیه بود که ملتزم به بیان محرمات فقط نبود. مطلق نواهی پیغمبر را نقل کرد، اعم از نهی تحریمی یا نهی کراهتی. اما این روایت، ‌روایت امام صادق علیه السلام است، فقط همین کلام پیغمبر را نقل کرده. أنهاکم عن الذفن و المزمار و الکوبات و الکبرات. و ظاهر نهی، تحریم است. نی زدن حرام است. رقص حرام است. روایت این را می‌گوید. طبق نواختن حرام است.

دلالتش هم تمام است. سندش هم تمام است.

حالا بقیه روایات را ان شاء الله جلسه دیگر بررسی می‌کنیم. فقط اشاره کنم به این مطلب:

مشهور فقهاء از جمله آقای گلپایگانی تصریح کردند در کتاب الشهادات، می‌گویند استعمال آلات لهو مطلقا حرام است و لو به غیر کیفیت لهوی. اطلاق دارد. أنهاکم عن المزمار. نهی می‌کنم شما را از نی زدن، ‌از طبل نواختن. اگر واقعا طبلی است که جزء آلات لهو است، در عزای امام حسین هم ایشان می‌گوید طبل لهوی نواختن اشکال دارد. استعمال آلات لهو مطلقا نهی شده چه به کیفیت لهوی چه به غیر کیفیت لهوی. رقص طبق این روایت حرام است. و لذا بعضی‌ها گفته‌اند حتی رقص زن برای شوهرش مشمول این روایت است. مثل غنا خواندن زن برای شوهرش. چه جور غنا خواندن زن برای شوهرش حرام است، چون غنا حرام است، این هم می‌گوید رقص حرام است.

این یک بحث که باید دنبال کنیم. حالا در جای خودش دنبال می‌کنیم، ‌فعلا بحث ما در استعمال آلات لهو است.

بحث مهم این است:

حتی آن‌هایی که می‌گویند انصراف دارد این روایت به استعمال به کیفیت لهویه که بعید نیست که مناسبت حکم و موضوع این است که می‌گویند أنهاکم عن المزمار یعنی عن نواختن مزمار أنهاکم به کیفیت لهوی، اما مراد از کیفیت لهویه چیه؟ مراد از لهو چیه؟ ضرب آلات لهو به شکل لهوی حرام شد، لهو چیست؟

مرحوم شیخ فرموده لهو آنی است که مناسب است با قوای شهویه.

تامل بفرمایید ببینیم جلسه بعد تعریف لهو را ببینیم. فرق لهو با لعب و لغو ببینیم چیه و آیا این تعریف لهو که مرحوم شیخ فرمود مناسبت با قوای شهویه، درست یا نه. ان شاء الله جلسه آینده.